



دوشنبه 19 خرداد 1393 - 11 شعبان 1435 - 9 ژوئن 2014

شورش مردم تبریز علیه خودکامگی «محمدعلی شاه قاجار» (1287 ش)...

19 خرداد 1393 - 11 شعبان 1435

9 ژوئن 2014

* 19 خرداد در گذر تاریخ

* شورش مردم تبریز علیه خودکامگی «محمدعلی شاه قاجار» (1287 ش)

اشاره:

در نوزدهم خرداد 1287 ش برابر با 9 جمادی الأول 1326 ق، انجمن ایالتی تبریز، تلگرافی به انجمن‌های ولایتی و علمای نجف ارسال داشت که مفاد آن یادآور سوء نیت شاه در ویران ساختن بنیان مشروطه و خیانت به ملت بود. دسیسه‌ها و نیرنگ‌های محمدعلی شاه، مردم تبریز را مطمئن ساخته بود که شاه قاجار، هدفی جز سرکوب آزادی خواهان ندارد. از این روی، مردم این شهر در قبال اقدامات شاه، واکنش شدیدی از خود نشان دادند. قطع خطوط تلگراف از طرف دولت که تنها راه برقراری تبریز به تهران بود، بدگمانی مردم را افزود. همچنین تلگراف محمدعلی شاه نیز که بار دیگر به دروغ او را پایبند مشروطه و هوادار مجلس معرفی می‌کرد خشم مردم را بیشتر برانگیخت. از این رو، شورش فراگیر در شهر شکل گرفت که به محاصره این شهر و وقایع متعددی انجامید.

* استیضاح دولت «مستوفی الممالک» از سوی آیت الله «سیدحسن مدرس» (1302 ش)

اشاره:

مدتی پس از کودتای رضاخان در سوم اسفند 1299 دوره چهارم مجلس شورای ملی افتتاح شد و در این دوره نیز، شهید حسن مدرس به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. او برای جلوگیری از قدرت یافتن سردار سپه، قصد داشت تا با استیضاح و برکناری مستوفی الممالک، صدراعظم احمد شاه قاجار، فردی دیگر را برای صدراعظمی روی کار بیاورد. آیت‌الله مدرس علاوه بر استیضاح مستوفی‌الممالک درباره رویه سیاست خارجی، این نخست‌وزیر را دارای قدرت کافی برای مقابله و مبارزه و جلوگیری در برابر تندروی‌های سردار سپه ندانست و او را به شمشیر مرصع و تزئینی تشبیه کرد که تنها در مجالس بزم به کار می‌رود در حالی که برای ایستادگی در برابر رضاخان، شمشیر برنده و

تیز لازم است. پس از برکناری مستوفی الممالک، مردم که به وی حُسن‌ظن داشتند از مدرس به خاطر استیضاح انتقاد کردند. بعدها معلوم شد مخالفت مدرس و اکثریت مجلس، به دلیل حفظ منافع ملت و جلوگیری از قدرتِ خطرناک رضاخان بوده است.

* رحلت فقیه بزرگوار آیت الله

«سید محمدحسن الهی طباطبایی» (1347 ش)

اشاره:

آیت‌الله سید محمدحسن الهی طباطبایی برادر مفسر کبیر قرآن، علامه سید محمدحسین طباطبایی در سال 1287 ش (1326 ق)، در تبریز به دنیا آمد. وی در کودکی پدر و مادرش را از دست داد و به همراه برادرش تحت سرپرستی وصی پدر قرار گرفت. سید محمد حسن در سنین کودکی مقدمات ادبیات فارسی و عربی و خوشنویسی را فرا گرفت و سپس سطوح عالی حوزوی را زیر نظر استادان خبره به کمال رساند. وی در 18 سالگی به همراه برادر راهی نجف اشرف شد و به مدت یازده سال از استادان بزرگی همچون حضرات آیات سید علی قاضی طباطبایی، سید حسن بادکوبه‌ای، محمدحسین غروی اصفهانی، میرزای نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی، در علوم عرفان، فلسفه، ریاضی، طب و فقه و اصول بهره جست. این دو برادر در سال 1314 ش به دلیل مشکلات معیشتی به تبریز بازگشتند و سیدمحمد حسن در حوزه علمیه شهر به تدریس فلسفه همت گماشت. وی دانشور پرهیزگاری بود که به منظور تهذیب نفس، تزکیه درونی و

تصفیه قلب کوشش‌های عمیق و مستمری را از خود بروز داد و افرادی علاقمند، در پرتو مواعظ و نصایح او به کمالاتی نائل آمدند. ایشان در اواخر عمر ساکن قم گردید ولی بر اثر بیماری قلبی به تبریز مراجعت نمود تا اینکه مرغ جان این سالک الی‌الله در شب بیستم خرداد 1347 ش برابر با سیزدهم ربیع‌الاول 1388 ق در شصت سالگی از قفس تن به درآمد و پس از تشییع با شکوه در قم به خاک سپرده شد.

* استان شدن قم (1375 ش)

اشاره:

طرح استان شدن قم، برای اولین بار توسط

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب و در سفر معظم له به این شهر در پائیز 1374 عنوان گردید. ایشان متذکر شدند

که اولین گام برای بهبود و پیشرفت اوضاع قم، استان شدن آن می‌باشد. این طرح سرانجام با پیگیری‌های مجلس شورای اسلامی و وزارت کشور به انجام رسید. استان قم تقریباً در مرکز ایران قرار دارد و با مساحتی نزدیک به یازده هزار کیلومتر مربع، در بین استان‌های کشور دارای مرتبه بیست و هشتم می‌باشد. وجود حرم مطهر حضرت معصومه (س) و شکل‌گیری حوزه علمیه قم در جوار ایشان، استان قم را جایگاهی ویژه بخشیده است. امروزه قم به عنوان مرکز حوزه عظیم دینی و پایگاه نشر معارف اسلامی و شیعی در سراسر عالم تبدیل گردیده است.

* قانون بلدیه مشتمل بر 108 ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید (1286ش)

* 11 شعبان در گذر تاریخ
* درگذشت عالم زاهد و مجاهد
«آقا نجفی اصفهانی» (1331 ق)

اشاره:

آیت‌الله شیخ محمدتقی اصفهانی معروف به آقاجنّی اصفهانی در 22 ربیع‌الثانی 1262 ق در اصفهان به دنیا آمد و در آنجا به تحصیل پرداخت تا به مقام اجتهاد رسید. او را به عنوان جامع علوم معقول و منقول شناخته و به قوّت حافظه، حضور ذهن، سخاوت و شجاعت ستوده‌اند. آقاجنّی اصفهانی صاحب نفوذ و قدرت معنوی فراوانی بود و از آغازگران مبارزه در جنبش تنباکو به شمار می‌رود. این فقیه وارسته در دوران مرجعیت خود، در کمک به مردم و رفع ستم از ایشان اهتمام می‌ورزید و در جهت تأمین وسائل آسایش آنان کوشش می‌کرد. بیش از یکصد اثر از آیت‌الله شیخ محمدتقی رازی باقی است که الاجتهاد و التقليد، اسرارُ الآیات، اسرارُ الاحکام و اسرارُ الشریعه از آن جمله‌اند.

* ولادت حضرت علی اکبر(ع) فرزند ارشد امام حسین (ع)
(33 ق)

اشاره:

حضرت علی اکبر (ع) فرزند حضرت ابی عبدالله الحسین(ع)، بنا به روایتی در یازدهم شعبان، سال 43 قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود.

بنا به نقل ابوالفرج اصفهانی، آن حضرت در عصر خلافت عثمان بن عفان (سومین خلیفه راشدین) دیده به جهان گشود. این قول مبتنی بر این است که وی به هنگام شهادت بیست و پنج ساله بود. در برخی روایات هم سن ایشان را 28 ساله ذکر کرده اند، وی در مکتب جدش امام علی بن ابی طالب (ع) و در دامن مهرانگیز پدرش امام حسین(ع) در مدینه و کوفه تربیت و رشد و کمال یافت.

پدر گرامی‌اش امام حسین بن علی بن ابی طالب(ع) و مادر محترمه‌اش لیلی بنت ابی مرّة بن عروّه ابن مسعود ثقفی است.

او از طایفه خوش نام و شریف بنی هاشم بود .

و به بزرگانی چون پیامبر اسلام(ص)، حضرت فاطمه زهرا(س)، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب(ع) و امام حسین (ع) نسبت دارد.

ابوالفرج اصفهانی از مغیره روایت کرد: روزی معاویه بن ابی سفیان به اطرافیان و هم نشینان خود گفت: به نظر شما سزاوارترین و شایسته‌ترین فرد امت به امر خلافت کیست؟ اطرافیان گفتند: جز تو کسی را سزاوارتر به امر خلافت نمی‌شناسیم! معاویه گفت: این چنین نیست.

بلکه سزاوارترین فرد برای خلافت،

علی بن الحسین(ع) است که جدّش رسول خدا(ص) می‌باشد و در وی شجاعت و دلیری بنی هاشم،

سخاوت بنی امیه و فخر و فخامت ثقیف تبلور یافته است.

نقل است روزی علی اکبر(ع) به نزد والی مدینه رفته و از طرف پدر بزرگوارشان پیغامی را خطاب به او می‌برد، در آخر والی مدینه از علی اکبرسؤال کرد نام تو چیست؟

فرمود: علی

سؤال نمود نام برادرت؟

فرمود: علی

آن شخص عصبانی شد، و چند بار گفت: علی، علی، علی، «ما یُریدُ ابُوک؟» پدرت چه می‌خواهد، همه‌اش نام فرزندان را علی می‌گذارد.

این پیغام را علی اکبر(ع) نزد اباعبدالله الحسین(ع) برد، ایشان فرمود: والله اگر پروردگار ده‌ها فرزند پسر به من عنایت کند نام همه ی آنها را علی می‌گذارم و اگر ده‌ها فرزند دختر به من عطا، نماید نام همه ی آنها را نیز فاطمه می‌گذارم.

* شخصیت علی اکبر(ع)

درباره شخصیت علی اکبر(ع) گفته شد، که

وی جوانی خوش چهره، زیبا، خوش زبان و دلیر بود و از جهت سیرت و خلق و خوی و صباحت رخسار، شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم(ص) بود و شجاعت و رزمندگی را از جدش علی ابن ابی طالب (ع) به

ارث برده و جامع کمالات، محامد و محاسن بود.

در روایتی به نقل از شیخ جعفر شوشتری در کتاب خصائص الحسینیة آمده است: اباعبدالله الحسین هنگامی که علی اکبر را به میدان می فرستاد، به لشکر خطاب کرد و فرمود: «یا قوم، هولاء قد برز علیهم غلام، اشیبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسول الله..... ای قوم، شما شاهد باشید، پسری را به میدان می فرستم، که شبیه ترین مردم از نظر خلق و خوی و منطق به رسول الله (ص) است بدانید هر زمان ما دلمان برای

رسول الله(ص) تنگ می شد نگاه به وجه

این پسر می کردیم.

* تربیت حسینی(ع)

امام حسین (ع) در تربیت وی و آموزش قرآن و معارف اسلامی و اطلاعات سیاسی و اجتماعی به آن جناب تلاش بلیغی به عمل آورد و از وی

یک انسان کامل و نمونه ساخت و شگفتی همگان، از جمله دشمنانشان را برانگیخت.

* حضور فعال علی اکبر(ع) در ماجرای عاشورا

به هر روی علی اکبر(ع) در ماجرای عاشورا حضور فعال داشت و در تمام حالات در کنار پدرش

امام حسین(ع) بود و با دشمنانش به سختی مبارزه می کرد. شیخ جعفر شوشتری در خصائص نقل

می کند: هنگامی که اباعبدالله الحسین علیه السلام در کاروان خود حرکت به سمت کربلا می کرد، حالتی به حضرت(ع) دست داد بنام نومیه و در آن حالت مکاشفه ای برای حضرت(ع) رخ داد، از آن حالت که خارج شد استرجاع کرد: و فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون» علی اکبر(ع) در کنار پدر بود، و می دانست امام بیهوده کلامی را به زبان نمی راند، سؤال نمود، پدرجان چرا استرجاع فرمودی؟ حضرت بلادرنگ فرمود: الان دیدم این کاروان می رود به سمت قتلگاه و مرگ درانتظار ماست، علی اکبر(ع) سؤال نمود: پدر جان مگر ما بر حق نیستیم؟ حضرت فرمود: آری ما بر حق هستیم. علی اکبر (ع) عرضه داشت: پس از مرگ باکی نداریم.

* هاشمی بودن، افتخار حضرت علی اکبر(ع)

گفتنی است، با این که حضرت علی اکبر(ع) به

سه طایفه معروف عرب پیوند و خویشاوندی داشته است، با این حال در روز عاشورا و به هنگام نبرد با سپاهیان یزید، هیچ اشاره ای به انتسابش به بنی امیه و ثقیف نکرد، بلکه هاشمی بدون و انتساب به اهل بیت(ع) را افتخار خویش دانست و در رجزی چنین سرود:

أنا علی بن الحسین بن علی

نحن بیت الله أولى یا نبیّ

أضربکم با لسیف حتی ینتهی

ضرب غلام هاشمی علویّ

و لا یزال الیوم احمی عن ابي

تالله لا یحکم فینا ابن الدعی

* نخستین شهید بنی هاشم در روز عاشورا

وی نخستین شهید بنی هاشم در روز عاشورا بود و در زیارت شهدای معروفه نیز آمده است:السلام علیک یا اول قتیل من نسل خیر سلیل. علی اکبر(ع) درنبرد روز عاشورا دویست تن از سپاه عمر سعد را در دو مرحله به هلاکت رسانید و سرانجامرّه بن منقذ عیدی بر فرق مبارکش ضربتی زد و او را به شدت زخمی نمود. آن گاه سایر دشمنان، جرأت و جسارت پیدا کرده و به آن حضرت هجوم آوردند و وی را آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه ها نمودند و مظلومانه به شهادتش رسانیدند.

امام حسین(ع) در شهادتش بسیار اندوهناک و متأثر گردید و در فراقش فراوان گریست و هنگامی که

سر خونین اش را در بغل گرفت، فرمود:ولدی علی علی الدّین بعدک العفا (فرزندم علی، دیگر بعد از تو اف بر این دنیا.

* سنّ شریف آن حضرت به هنگام شهادت

در مورد سنّ شریف وی به هنگام شهادت، اختلاف است. برخی می گویند هجده ساله، برخی می گویند نوزده ساله و عده ای هم می گویند 25 ساله بود. اما از این که وی از امام زین العابدین(ع)، فرزند دیگر امام حسین(ع) بزرگتر یا کوچک تر بود، اتفاقی میان مورخان و سیره نگاران نیست. روایتی از

امام زین العابدین(ع) نقل شده که دلالت دارد بر این که وی از جهت سن کوچک تر از علی اکبر(ع) بود. آن حضرت فرمود: کان لی اخ یقال له علی اکبر متی قتله الناس ...

مقبره حضرت علی اکبر علیه السلام در کربلای معلی پائین پای اباعبدالله الحسین علیه السلام است و در سلام زیارت عاشورا منظور از ولی علی ابن الحسین، آقا علی اکبر علیه السلام می باشد.

* درگذشت «سنایی غزنوی»، عارف

و شاعر بزرگ مسلمان(545 ق)

اشاره:

ابوالمجد محدود بن آدم سنایی غزنوی، موصوف به حکیم، از بزرگان، حکما و شعرای ایران، در اواسط قرن پنجم هجری در طوس به دنیا آمد. او آن هنگام که به شاعری روی آورد، مداح و شاعر سلطان ابراهیم غزنوی بود و پس از حادثه‌ای از این کار توبه کرد و به عرفان روی آورد. اشعار سنایی براخلاق، مواعظ، حقایق توحید، عرفان، حکمت و نکات لطیف بسیاری تکیه دارد و آدمی را به تزکیه‌ی درونی و توجه به شناخت خود و بازگشت به الله سوق می‌دهد. سنایی، کلام خود را به اشارات مختلف از احادیث و آیات و قصص و تمثیلات و استدلالات عقلی و نتیجه‌گیری از آنها برای اثبات مقاصد خود و نیز اصطلاحات فراوانی علمی آراسته است و به همین سبب، بسیاری از ابیات او، دشوار و محتاج شرح و تفسیر شده‌اند. آثار فراوانی از سنایی به جا مانده است که:

حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، زادالسالکین، سیرالعباد الی المعاد و کارنامه‌ی بلخ از آن جمله‌اند. وفات وی را سال 555 ق نیز گفته‌اند.

* رحلت فقیه گرانقدر شیعه،
علامه «ملا محمد تقی مجلسی»
در اصفهان (1070 ق)

اشاره:

علامه محمد تقی مجلسی در سال 1003 ق در اصفهان به دنیا آمد. مقدمات علوم را نزد پدرش مولای مجلسی فراگرفت و سپس به حلقه‌ی درس علامه عبدالله شوشتری راه یافت. وی سال‌ها از محضر این عالم بزرگ، فقه، حدیث، اصول فقه، کلام و تفسیر را آموخت. علاوه بر آن از درس عالم کم نظیری همچون «شیخ بهایی» بهره برد و روح تشنه‌ی خود را از دریای علم استاد، سیراب ساخت.

علامه مجلسی همچنین از محضر اساتید دیگر زمان از جمله میر فندرسکی، قاضی ابوالشور و امیر اسحاق استرآبادی نیز استفاده کرد. ایشان پس از سفری به نجف، به حیطة‌ی شرح احادیث روی آورد و به تألیف و تدریس پرداخت. علامه محمدباقر مجلسی صاحب بحارالأنوار (فرزندش)، محقق خوانساری، سید نعمت الله جزائری، ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد صادق کرباسی از جمله شاگردان و روضه المتقین، اربعین و شرح زیارت‌های مختلف از تألیفات اوست. علامه مجلسی در 67 سالگی در اصفهان وفات یافت و در کنار مسجد جامع این شهر به خاک سپرده شد.

* وفات حکیم «ملا اسماعیل خواجه‌ی» عالم و فقیه بزرگ شیعه (1173 ق)
اشاره:

ملا اسماعیل بن محمد حسین (مازندرانی الأصل) در منطقه‌ی خواجه‌ی از محلات اصفهان ساکن بود. وی عالمی جامع، حکیم و از بزرگان فقها و متکلمین شیعه‌ی عهد افشاریه به شمار می‌رفت و به دلیل قناعت و عدم توجه به دنیا، مورد توجه نادرشاه قرار گرفت. احیای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پس از جنگ‌های محمود و اشرف افغان از کارهای او و تحریر کتب بشارة الشیعه و الجبر و التفویض از تألیفات ایشان است. این عالم بزرگوار در تخت فولاد اصفهان مدفون است.

* وفات علامه محمد تقی مجلسی
(1070 ق)

اشاره:

عالم دینی، فقیه، محدث، رجال، عابد و زاهد. نسبش به حافظ ابونعیم اصفهانی، صاحب «حلیة الاولیاء» می‌رسد. اصلش به آورده‌ی «روضه الصفا» از دارالمرز رشت، و به گفته‌ی معلم حبیب‌آبادی در «مکارم الآثار» از قریه مجلس از روستاهای جبل عامل است و از آنجا که تخلص شعری پدرش، مقصود علی، مجلسی بوده این سلسله به مجلسی معروف گشته‌اند. ملا محمدتقی در اصفهان به دنیا آمد. مادرش دختر درویش محمد نطنزی اصفهانی می‌باشد. وی در فقه و تفسیر و حدیث و رجال متبحر و در عبادات و عرفان پیرو استاد خود ملا عبدالله شوشتری بود. او نخستین کسی است که بعد از ظهور دولت صفویه به نشر احادیث شیعه پرداخت. در محضر شیخ بهائی و ملا عبدالله شوشتری و پسرش ملا حسنعلی شوشتری و میر شرف‌الدین علی شولستانی نجفی تلمذ نمود و به دریافت اجازه نائل شد. ملا محمدتقی از محقق کرکی، مشهور به محقق ثانی، و ملا عبدالله شوشتری و شیخ بهائی روایت کرده است. میر فندرسکی و قاضی معزالدین محمد اصفهانی و شیخ یونس جزائری و قاضی ابوالشرف و شیخ عبدالله بن شیخ ابوالبرکات و ملا محمدقاسم، دای‌اش، به آورده‌ی «تذکره القبور»، از دیگر مشایخ وی می‌باشند. فرزندش، ملا محمدباقر مجلسی، و آقا حسین محقق خوانساری و میر عبدالحسین خاتون‌آبادی اصفهانی از شاگردان وی بودند. شیخ عبدالله بن جابر عاملی از او روایت می‌کند. در اصفهان درگذشت و در جنب جامع عتیق دفن شد. مقبره‌ی وی به سر قبر آخوند معروف است. از آثار وی: «روضه المتقین»، در شرح «من لا یحضره الفقیه»، که آن را به امر شاه عباس به فارسی شرح کرد و «اللوامع القدسیة» یا «لوامع صاحبقرانی» نامید؛ «حدیقة المتقین فی معرفة احکام الدین لارتقاء معارج الیقین»؛ «احیاء الاحادیث فی شرح تهذیب الحدیث»، که همان شرح «تهذیب» شیخ طوسی است؛ «تفسیر» فارسی؛ «مناسک الحج»؛ «الاربعون

حدیثا»، که در آن به ذکر مشایخ خود پرداخته است؛ شرح بر «صحیفه‌ی سجادیه»، به عربی و فارسی؛ حاشیه بر «نقد الرجال»؛ «طبقات الرواة»؛ شرح «خطبه همام»؛ حاشیه بر «اصول کافی».[1] ملا محمدتقی، فرزند مقصود علی اصفهانی (ف. 1070 ه.ق) از متبحران علمای شیعه‌ی اثنی عشری است که احادیث و اخبار شیعه‌ی امامیه را جمع‌آوری کرده است. وی از شاگردان شیخ بهائی (ه.م) است. و در جامع عتیق اصفهان مدفون است. ملا محمدتقی در زمان شاه عباس کبیر می‌زیسته و پدر ملا محمدباقر مجلسی (ه.م) می‌باشد. تعداد تألیفاتش متجاوز از 10 مجلد، مجلسی اول، مجلسی پدر.

* 9 ژوئن در گذر تاریخ

* اشغال سرزمین پاراگوئه در امریکای جنوبی توسط ارتش اسپانیا (1535م)

* تولد «آمدو آووگادرو» فیزیک‌دان معروف ایتالیایی (1776م)

* پایان کار کنگره تاریخی وین پس از سقوط ناپلئون بُناپارت (1815م)

* لغو قانون برده‌داری در آمریکا توسط «آبراهام لینکلن» (1862م)

* اختراع آنتن امواج صوتی توسط «گولیلمو مارکونی» (1896م)

* آتش‌سوزی بزرگ دانشگاه الجزیره و نابودی 500 هزار جلد کتاب نفیس (1962م)